

راز و رمز هنر اسلامی

در گفت و گو با پروفسور پاتریک رینگن برگ
استاد مطالعات هنر اسلامی دانشگاه زوریخ



اشاره

جاذبه و ساختار شگفت‌انگیز هنر اسلامی - ایرانی تنها مختص کشورهای اسلامی نیست و چه بسیار کسانی که این منظومه هنری کامل را از بیرون می‌نگرند، مسحور و بی‌زگی‌ها و رمزگردانی آن می‌شوند.

دنایای غرب با بروز تحولات وسیع و ظهور جهان مدرن، به ساحت معرفتی دیگری وارد شده، اما درصدد است با تلفیق ابزار تحقیق و پژوهش، و عشق و دل‌بستگی به هنر اسلامی، از راز و رمزهای آن پرده‌گشایی کند. پروفیسور پاتریک رینگن برگ، استاد دانشگاه زوریخ سوئیس، یکی از علاقه‌مندان سخت‌کوش هنر اسلامی است که به‌صورت فردی راه مطالعه هنر اسلامی در کشورمان را در پیش گرفته و تألیفاتی نیز ارائه داده است. کتاب «جهان رمزواره هنر اسلامی» مشهورترین اثر رینگن برگ است که از سوی نشر «هارماتان» پاریس منتشر شد. این کتاب در بخش مطالعات اسلامی نوزدهمین جایزه جهانی کتاب سال جمهوری اسلامی ایران در بهمن ۱۳۹۰ به‌عنوان اثر برگزیده انتخاب شد.

رینگن برگ همچنین با آستان قدس رضوی ارتباط پژوهشی دارد و اثری نیز درباره مختصات هنری حرم رضوی به چاپ رسانده است. در این گفت‌وگو با دیدگاه‌های وی در مورد هنر اسلامی آشنا می‌شویم.

رشد آموزش هنر

● عرض سلام و خیر مقدم خدمت

پروفیسور و همسرشان سرکار خانم دکتر عبایی. به‌منظور برقراری پل‌های ارتباطی اولیه و با هدف استفاده بیشتر از دیدگاه‌های شما، ابتدا مجله «رشد آموزش هنر» را به شما معرفی می‌کنم. رشد آموزش هنر یک مجله آموزشی است که مخاطب آن مدرسان و دبیران هنر در سطح کشور هستند. مطالبی که در این مجله منعکس می‌شوند، نزدیک به دیدگاه‌های رسمی نظام تعلیم و تربیت‌اند و ما سعی می‌کنیم مطالبی را که به‌کار ارتقای بینش هنری این عزیزان بیاید، در آن منعکس کنیم.

برای شروع گفت‌وگو ابتدا تقاضا دارم پیشینه پژوهشی خودتان را بیان کنید و در ادامه بفرمایید که چگونه به حوزه مطالعات هنر اسلامی علاقه‌مند شدید. این گرایش و علاقه‌مندی در اثر چه عاملی بود و چه ارزش‌های زیبایی‌شناختی در هنر اسلامی دیدید که به سمت‌وسوی مطالعه در این عرصه رفتید؟

من چند هنر را دوست دارم: هنر چینی، هنر اروپایی و هنر اسلامی که به‌نظر من هنر مخصوصی است. مخصوصاً باید بگویم که هنر اسلامی در ایران خیلی زیباست. اینکه هنر اسلامی در ایران به عرفان مربوط می‌شود، برای من خیلی جالب است. در ایران رمزپردازی عرفان در هنر خیلی مهم

و بیشتر از کشورهای مصر و آفریقای شمالی مشخص است. هنر اسلامی آسان نیست. ما هنر اروپایی را با روش تحلیلی آیکونوگرافی (شمایل‌نگاری یا شمایل‌سازی) خیلی راحت می‌توانیم تحلیل کنیم، اما هنر اسلامی این‌گونه نیست و خیلی سخت‌تر و جدیدتر است.

● جناب پروفیسور، در مورد کتاب «جهان رمزواره هنر اسلامی» که در سال ۱۳۹۰ هم عنوان کتاب سال جمهوری اسلامی را به خود اختصاص داد، توضیح دهید. گویا نکته محوری برای شما همین رمزوارگی و نمادین بودن هنر اسلامی است. شما در این کتاب چه کرده‌اید؟ به رمزگشایی پرداخته‌اید یا فقط اشاره کرده‌اید که این هنر رمزواره است؟

بیان اینکه من در این کتاب چه کرده‌ام، خیلی سخت است. نوشتن آن مرا خیلی خسته کرد. این کتاب سه بخش دارد و از کیهان‌شناسی شروع می‌شود و به معادشناسی می‌رسد. در تبیین موضوع‌ها یا توصیف کرده‌ام، یا اشاره، و یا توضیح داده‌ام.

● یعنی شما مندولوژی خاصی در این کتاب به‌کار بردید؟

بیشتر از «پدیدارشناسی» استفاده کرده‌ام. زیرا با این روش می‌توانیم هم از داخل و هم از بیرون یک چیز را ببینیم و هم می‌توانیم سنتز کنیم. از معماری و

از کتیبه‌های آن، از آرایه‌ها و رمزپردازی در آرایه‌ها صحبت می‌کنم. ایده من این بود که هنر اسلامی سراسرنما (پانوراما) است. نمی‌گویم معنی این نقش چیست، چون گاهی نمی‌دانیم یا اصلاً نمی‌دانیم که معنی آن چیست. ولی خواسته‌ام بگویم هنر مثل آینه است و در آینه می‌توانیم یک معنی پیدا کنیم. احساس می‌کنم در هنر اسلامی، آرایه‌ها بیشتر نوعی آینه هستند تا اینکه یک نماد آشکار باشند.

● اگر بخواهیم چهار تأویل‌گرایی شویم و با خالق اثر همدلی کنیم، یکی از مبانی این است که خودمان را در آن موقعیت قرار بدهیم. شما که خودتان پرورش‌یافته فرهنگ دیگری هستید، این همدلی چه‌طور می‌تواند برایتان اتفاق بیفتد؟ آیا تجربه به جان‌زیسته‌ای دارید؟

در درجه اول فکر می‌کنم که واقعاً کسی نمی‌تواند خودش را جای پیشه‌وران و صنعت‌گران بگذارد و فکر می‌کنم این مشکل تمام هنرهای اسلامی است. چون کسانی که در مورد هنرهای اسلامی صحبت کرده‌اند هیچ ارتباطی با خود صنعتگران این آثار نداشته‌اند. در مورد روش و رویکرد ما قطعاً این مدل غربی ذهنی است. مشکل ما این است که هیچ اسناد قدیمی در دست نداریم که بتوانیم بگویم این‌ها چه بوده‌اند. طبعاً ما از تفکر افرادی که مسجد امام را

در اصفهان ساخته‌اند، اطلاعی نداریم و لزوماً رویکرد ما معاصر است ولی جالب است که بتوانیم بگوییم امروز چه حرفی برای گفتن داریم. کاری که من سعی کرده‌ام انجام بدهم، این بود که از درون آن اعتقادات و تفکرات عرفانی و مذهبی که در اجتماع وجود داشته است، هنر را در نظر بگیرم.

● **پس ایرادی روش شناختی بر کسانی که صحنه را از بیرون نگاه می‌کنند، وارد می‌دانید؟ با تمام ضعف‌هایی که وجود دارد، می‌خواهیم ببینیم ارزش‌های زیبایی‌شناختی هنرهای اسلامی چه بود که شما به این شکل روی آن متمرکز شدید؟ چون ما سابقه خوبی در این زمینه داریم. مثلاً خانم آن‌ماری شیمل در زمینه هنرهای اسلامی کار کرده است. برای ما خیلی جالب است بدانیم این ارزش‌های زیبایی‌شناختی در آینده نگاه پژوهشگر بیرونی چه مواردی است.**

در ابتدا زیبایی که جای خود دارد. دوم اینکه اگر هم متوجه نشویم یک اثر چه می‌گوید، ولی می‌دانیم نگرشی به دنیا در این هنرها وجود دارد. مثلاً یک نقاشی اروپایی را که مربوط به دوره رنسانس است می‌توانیم توضیح بدهیم و بفهمیم. البته می‌توانیم ادعا کنیم

بسیار زیباست اما آنچه را در هنر اسلامی دوست دارم، این است که آرایه‌هایی که می‌توانیم در مسجد، محراب، مدرسه و آرامگاه‌ها پیدا کنیم، می‌توانیم توضیح بدهیم، ولی دوباره باید بفهمیم پشت‌ظاهر آن‌ها چیست. نمی‌توانیم یک‌روزه توضیح بدهیم و بگوییم تمام شد.

● **باید راه به باطن برد.**

بله.

● **باید لایه‌ها را ورق زد.**

بله، درست است. صد سال قبل در دانشگاه‌های اروپایی به ما می‌گفتند که هنر اسلامی را فقط از امپراتوری روم و از ساسانیان گرفتند. این معماری فقط آرایه است و تمام، و فقط ظاهر است که اشتباه بود. اگر فکر کنیم هنر اسلامی ظاهر است، موضوع تمام می‌شود اما اگر معتقد باشیم فقط ظاهر نیست و در پس آن چیزی هست، خیلی جالب می‌شود.

● **جناب پروفیسور، می‌خواهیم با مطالعات شما بیشتر آشنا شویم. شما تألیفاتی در حوزه هنر اسلامی دارید. کتاب‌های خود را به خوانندگان ما معرفی کنید و شرح دهید به چه نکاتی پرداخته‌اید. گفت‌وگوی کوتاهی در این زمینه داشته باشیم و**

بعد به سؤالات دوستان بپردازیم. به کتاب «رمزوارگی» اشاره کردید. کتاب امام رضا(ع) را هم توضیح دهید؛ البته هر کدام را که خودتان دوست دارید.

کتاب حرم امام رضا(ع) را وقتی خیلی جوان بودم، نوشتم و ناشیگری کردم.

● **تحصیلات شما در چه رشته‌ای بوده است؟ در باب هنر اسلامی بود یا در اثر یک اتفاق به این سمت کشیده شدید؟**

من سینما خواندم. بعد مدتی در مورد فلسفه و عرفان ایرانی مطالعه کردم و از هنر اسلامی لذت بردم. بعد تاریخ ادیان و سپس تاریخ هنر را خواندم اما در مورد هنر اسلامی هیچ وقت کلاس نرفته‌ام. فکر می‌کنم خیلی خوب بود؛ زیرا کتاب‌هایی که درباره هنر اسلامی چاپ می‌کنند، خیلی بسته و سطحی است. چون فقط از نظر تاریخی یا اجتماعی بررسی می‌کنند و مبتنی بر یک چشم‌انداز چندرشته‌ای نیست.

● **دارای نگاه جامع نبوده است.**

بله.

● **برگردیم به کتاب‌های شما و مطالعاتی که داشتید.**

به جز کتابی که ذکر کردید، من یک کتابی در مورد فرهنگ ایران نوشته‌ام که اصلاً آکادمیک نیست. برای اولین بار حدود ۱۴ سال پیش که به ایران آمدم، تعجب کردم که چرا میراث فرهنگی ایران این قدر زیبا و مهم است اما من تقریباً هیچ چیز در مورد آن نمی‌دانم. اگر به کتاب‌فروشی مراجعه کنید، می‌توانید سی کتاب در مورد پاریس پیدا کنید ولی شاید فقط دو کتاب در مورد ایران باشد. من کتابی در مورد فرهنگ ایران نوشتم و کتاب دیگری هم در مورد شاهنامه فردوسی به کمک همسرم نوشتم که یک کتاب کوچک برای معرفی شاهنامه به خارجی‌هاست.

● **پس کتاب شاهنامه را معرفی کرده‌اید.**



مسجد امام اصفهان



▲ آستان قدس رضوی

بله، چون هیچ کتابی در مورد شاهنامه نبود. در اروپا حتی ادبیات هند را خیلی بیشتر می‌شناسند. سه کتاب دیگر هم دارم که متأسفانه چاپ آن‌ها طول می‌کشد. نظریه‌های هنر در تفکر سنتی که پایان‌نامه من بوده نیز چاپ شده که البته فقط یک قسمت از آن در مورد هنر اسلامی است و بیشتر در مورد هنر اروپایی، هندی و چینی است. یک کتاب بزرگ در مورد حرم امام رضا (ع) دارم که بیشتر آن عکس است. یک کتاب دیگر هم راجع به مشهد دارم که با استفاده از سفرنامه‌های اروپایی‌هایی نوشته‌ام که برخی چند روز، برخی چند هفته و برخی چند سال و بیشتر در دوره قاجار در مشهد سکونت داشته‌اند.

● در کتاب به هنر معماری و اماکن و بارگاه حضرت امام پرداخته‌اید و یا به‌صورت کلی مطرح شده است؟

به‌صورت کلی است. یعنی کل مشهد، اقتصاد مشهد، زیارت مشهد، ارتش و ... همه چیز را دربرمی‌گیرد. خیلی جالب است چون گردشگران توضیح می‌دهند مشهد چه‌طور بوده است. شهری که دیده‌اند، حالا اصلاً وجود ندارد. کتابی هم در مورد آرایه‌ها در هنر اسلامی داریم. یک پروژه دیگر هم در رابطه با حرم حضرت معصومه (س) در قم داریم.

● شما بنای حرم را که یک بنای عظیم اسلامی است و پیوندی بین معماری گذشته ایران و زمان حال محسوب می‌شود، از لحاظ هنری و زاویه مطالعاتی که الان دارید، چطور می‌بینید؟ آن رازآلودگی و رمزوارگی که می‌گویید در کتیبه‌ها، آرایه‌ها، اسلیمی‌ها و خطاطی‌ها و معماری آنجا به وفور دیده می‌شود، در آینه ذهنی شما چطور بازتاب پیدا کرد؟ ابتدا بگویم که اکثر تزئینات حرم مدرن هستند؛ یعنی معاصرند.

● عرض کردم، این بنا پیوندی است بین هنر معماری گذشته و معاصر. در دوره پهلوی متأسفانه خیلی

شما آشنا شدیم. حالا بیاییم درباره مجله خودمان صحبت کنیم و از نظرات شما بهره بگیریم. با توجه به ارزش‌های زیبایی‌شناختی که در مورد هنر اسلامی نام بردیم و به‌عنوان یک علاقه‌مند که به علت جاذبه زیبایی و هنر اسلامی به مطالعه این حوزه پرداخته‌اید، اگر شما معلم هنر بودید، این ارزش‌ها را چگونه به دانش‌آموزان منتقل می‌کردید و چگونه آن‌ها را به این ارزش‌های زیبایی‌شناختی علاقه‌مند می‌ساختید؟

خیلی سخت است!

آسیابانی: ما چیزی به اسم زیبایی‌شناختی دست پیدا کرده‌ایم که حداقل حدود و قوانینی دارد. همان‌طور که خود آقای دکتر هم در کتاب‌هایشان اشاره کرده‌اند، آیا می‌توان از این شیوه‌ها یا از آنچه که به اسم زیبایی‌شناسی اسلامی می‌شناسیم، بتوانیم نظامی استخراج کنیم که با آن به نقد هنر یا نقد شعر بپردازیم؟ آیا می‌توان از دل آن جریان نقد هنری و ادبی به‌دست آورد؟ - البته ممکن است ولی خیلی نسبی خواهد بود. اصولاً نقد هنر پدیده‌ای نسبی است. ما هر وقت تاریخ را نگاه می‌کنیم، می‌بینیم این نقد تغییر کرده است؛ مخصوصاً که نقد هنر جلوی خلاقیت را می‌گیرد.

چیزها خراب شد. در آنجا وحدت زیبایی‌شناختی بزرگی وجود دارد. شاید دارای یکی از بزرگ‌ترین مجموعه آینه‌کاری در ایران باشد. متأسفانه مطالعه‌اش کار بسیار سختی است؛ زیرا نمی‌توان از آن عکس گرفت و دسترسی به آن خیلی سخت است. رمزپردازی معرق و آینه خیلی جالب است.

● این قسمت بیشتر نظر شما را جلب کرد؟

من همه چیز را دوست دارم، ولی شاید این قسمت در مطالعات اروپایی کمتر مورد توجه قرار گرفته است. معرق آینه تصویری از تکثر دنیاست که نور الهی را بازتاب می‌کند. ما هیچ وقت تصویر خودمان را نمی‌بینیم و تصویرمان به نور تبدیل می‌شود. کلاً مجموعه منحصر به فردی است که ابعاد بسیاری برای کشف و مطالعه دارد.

● چرا این ابعاد تا به حال کشف نشده‌اند؟

متأسفانه مطالعات خیلی کمی به زبان خارجی در این زمینه وجود دارد. من حتی به آستان قدس هم رفته‌م و دیدم در این زمینه‌ها اسناد خیلی کمی دارند. تقدس محل باعث شده است که مردم کمتر به مطالعه هنرهای حرم بپردازند.

● تا اندازه‌ای با مطالعات و کتاب‌های



● به شرط اینکه نقد بعد از تولید اثر هنری انجام شود. مثلاً بنای رضوی را در نظر بگیریم. خوب آن کثرتی که خود پروفیسور اشاره کردند، یک نقد مثبت است. ما با نقد ارزش‌های درست را معرفی می‌کنیم. و اینکه هر جزئی‌گرچه شخصیت مستقلی دارد، در آخر کلیتی یکپارچه را تشکیل می‌دهد. نقد ارزش‌های خودش را دارد اما اینکه پروفیسور فرمودند هنر در زمان و مکان متناسب با ارزش‌هاست، بله نسبت هم دارد. طبیعی است که می‌توان روش‌هایی استخراج کرد. حتی ما ناآگاهانه این کار را انجام می‌دهیم. همین که به یک اثر هنری نگاه می‌کنیم، خودبه‌خود چیزی را انتخاب می‌کنیم که نشان می‌دهد به این سمت تمایل داریم یا به آن سمت. مدت‌ها فکر می‌کردیم که یک تحلیل بی‌طرفانه و غیرمغرضانه وجود دارد، ولی واقعیت این است که امکان ندارد. **قبایی:** به نظر شما فرق عمده‌ای که بین هنر اسلامی ایران (هنر ایران بعد از اسلام) و هنر اسلامی در سایر کشورهای اسلامی وجود دارد، چیست؟ آیا وجه تمایزی بین هنر ایران و سایر کشورهای اسلامی وجود دارد؟ من بیشتر برای نوجوانان کار هنری انجام می‌دهم.

وقتی به کتاب‌های مشابه به زبان فرانسه و انگلیسی مراجعه می‌کنم، حتی تمدن‌های کوچک‌تر و با قدمت کمتر نسبت به ایران، هنر و تمدن ایرانی را تقریباً می‌توانم بگویم هیچ جا ندیده‌ام. دلیل این موضوع از نظر شما چیست؟ - در مورد سؤال اول باید بگویم، هنر ایرانی نسبت به سایر کشورهای اسلامی خیلی غنی‌تر، متنوع‌تر، پیچیده‌تر و خلاقانه‌تر است. خصوصاً بعد از دوره مغول یک گسستگی بین هنر ایران و کشورهای مسلمان غربی (مثل آفریقا) ایجاد شد. ویژگی هنر ایران این است که به هر جا رفته، ظرافت و پیچیدگی را با خودش برده است که ما نمونه‌اش را در آسیای میانه و مخصوصاً هند می‌بینیم. از نظر زیبایی‌شناختی جالب است، حتی کسی که آشنایی ندارد و نمی‌شناسد، می‌تواند در یک موزه به تفاوت هنر ایران با دیگر کشورهای اسلامی پی ببرد. **قبایی:** حتی در کتاب‌های بسیار وزین می‌بینیم، هنر ایران بیشتر در قالب هنر اسلامی در کنار سایر کشورهای اسلامی و باز هم در حجم کم دیده می‌شود. ما حتی اگر مرزهای کنونی ایران را هم در نظر بگیریم، می‌بینیم خیلی از این هنرها به اسم کشورهای دیگر مطرح

شده‌اند.

- در تأیید حرف شما باید بگویم، در اروپا به صورت گسترده در مورد قرن نوزدهم کتاب هست اما در مورد هنر اسلامی خیلی کم است. **قبایی:** علت چیست؟

● **البته کارهای مهم را باید استثنا دانست؛ مثل تاریخ هنر ایران که شامل ۹ جلد و اثر آرتور پوپ است.** متأسفانه خیلی از این کارها از حالت ملی‌گرایی جدا نیستند. رویکردها و روش‌ها اصولاً از قبل برای هنر غربی بوده‌اند.

کیا: مستحضری در هنرهای اسلامی، بعضی از هنرهایی که امروزه معمول‌اند و در واقع به‌عنوان هنر جامع و وسیع تلقی می‌شوند، مثل موسیقی، مجسمه‌سازی یا نقاشی، در اسلام به دلایل متفاوت محدودیت داشته‌اند و چندان در هنر اسلامی تا دوره معاصر برجسته نبوده‌اند. فکر می‌کنید این موضوع باعث نقصان و عقب‌ماندگی هنر اسلامی است یا به جنبه‌های دیگر آن کمک کرده است؟

- به هیچ وجه نقصان ایجاد نکرده، بلکه روش‌های دیگری برای خلق به وجود آورده است. همان‌طور که مستحضرید،

هنر اسلامی در مضامین خود نوعی تکرار دارد، در صورتی که در هنر عربی گفته می‌شود که برخلاف ابداع است. گاه بعضی از مسلمانان هنر خود را کم می‌بینند، در صورتی که اشتباه می‌کنند.

کیا: جایگاه خوش‌نویسی در منظومه هنر اسلامی چیست؟

- خوش‌نویسی هنر دیدن، هنر تفکر و هنر زندگی کردن، همه را دربرمی‌گیرد. درست است که من آن را از بیرون می‌بینم ولی خیلی قابل توجه است. خوش‌نویسی چیزی است بین هنرهای تجسمی و موسیقی. مردم تفکر و ریتم زندگی خود را توی این حروف گذاشته‌اند.

قاسم‌زادگان: منظور این است که هنر اسلامی برای اینکه حیات خودش را متناسب با مقتضیات روز داشته باشد، چه باید بکند؟ برای مثال، جناب پروفیسور در رابطه با کتیبه‌های حرم امام رضا(ع) گفتند که بخشی از آن‌ها معاصر هستند که البته درست هم هست. شاید بتوانیم بگوییم در طول ۳۵-۳۰ سال گذشته، کتیبه‌ها رشد قابل توجهی داشته‌اند. ولی سؤال این است که آیا سطح کیفی این کتیبه‌ها، به کتیبه‌های دوره تیموری و دوره صفوی پهلو می‌زند؟ - دوره مدرن آگاهانه‌تر و هندسی‌تر است و گاهی انسجام رمزپردازی آن‌ها بیشتر احساس می‌شود.

● **در واقع به نوعی می‌توانیم بگوییم که در کتیبه‌نگاری عصر هنر اسلامی در دوره‌های صفوی که اوج کتیبه‌نگاری هنر مشهد در حرم امام رضا(ع) است، مبانی هنرهای تجسمی که امروز کلاسیک است، در کتیبه‌های آن دوران حسی و ذوقی است. اما امروز همه این‌ها قانونمند شده‌اند و هنرمند معاصر، با آشنایی با قوانین هنرهای تجسمی، کتیبه‌ای را در معرض دید عموم قرار می‌دهد. لذا در اثر او اصول مناظر و مرایا، اصول معماری، اصول از دور دیدن و آنچه که شما به آن انسجام می‌گویید، بیشتر خودش را نشان می‌دهد.**

در واقع سؤال این است که چه طور می‌توانیم بین هنر سنتی و هنر معاصر پیوند بزنیم؟
- پیوند یا پیوستگی؟

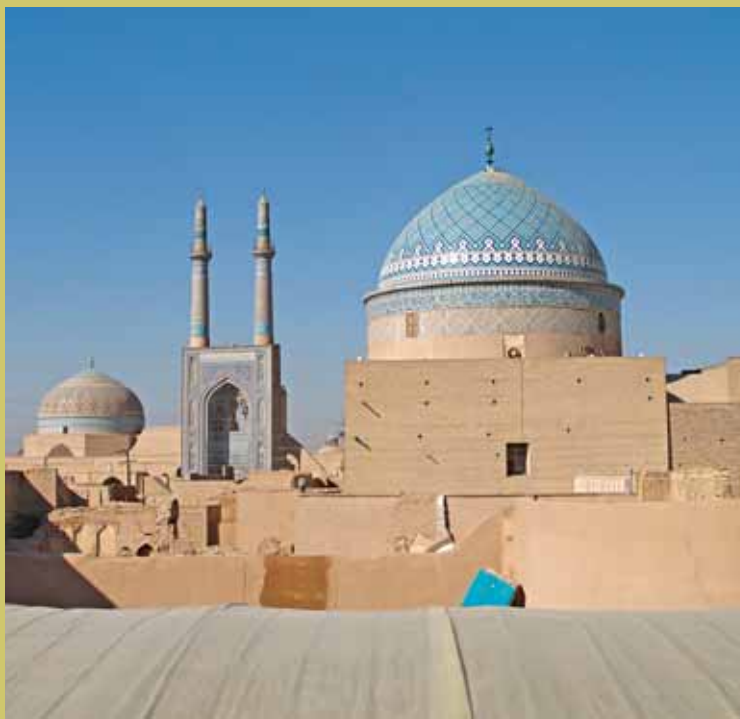
● **به هنگام کردن و روزآمد کردن. با این هدف که اگر محقق ۲۰۰ سال بعد هنر اسلامی ایران را مورد مطالعه قرار دهد، باز هم همانند شما از جاذبه و ارزش‌های زیبایی‌شناختی آن لذت ببرد. و آن را امری پژوهش‌پذیر تلقی کند. چگونه عمل کنیم که این روند ادامه پیدا کند؟**

- در هر صورت ما در دوره پهلوی نوعی گسستگی داشتیم که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. این گسستگی خیلی عمیق است و اگر به لحاظ تاریخی بخواهیم نگاه کنیم، می‌گوییم که مسجد امام و برج میلاد را نمی‌توانیم در یک دسته قرار دهیم. پیوستگی در فرش وجود دارد ولی در معماری تهران پیوستگی دیگر وجود ندارد. شاید یک یا دو نمونه وجود داشته باشد، اما در کل پیوستگی وجود ندارد. این مشکل در همه کشورهای اسلامی مشاهده

می‌شود. شاید از قرن نوزدهم شروع شده باشد. هنر اسلامی دیگر مثل قبل وجود ندارد. البته اگر بخواهیم به آن تعریفی که خیلی‌ها ارائه داده‌اند، بسنده کنیم که هنر اسلامی هنری است که مسلمان‌ها داخل کشور اسلامی برای مسلمان‌ها ایجاد کرده‌اند، می‌توانیم بگوییم فرودگاه دوی هم یک معماری اسلامی است؛ در صورتی که هیچ ربطی ندارد. در معماری تهران مشکل هویتی آشکار است. معماری یک هویت جدا ندارد. نه کاملاً ایرانی است و نه کاملاً غربی. آنچه که به نظر من خوب و هنوز قابل توجه است، هنر خوش‌نویسی است که هنوز در آن ابداع و خلاقیت وجود دارد و همچنان دارای انسجام و پیوستگی است. گرافیک ایران هم یکی از بهترین‌های دنیاست ولی با مینیاتور ایران هیچ ارتباطی ندارد. مشکل اصلی این است که هیچ هنری را نمی‌شود با نظریه احیا کرد.

قاسم‌زادگان: با ادبیات ایران آشنایی دارید؟

- آرام آرام می‌خوانم. بیشتر به ادبیات کلاسیک علاقه دارم؛ **فردوسی**،



مسجد جامع یزد

حافظ، مولانا، جامی و نظامی. ادبیات معاصر را خیلی کم، فقط چند نفر از شاعران را می‌شناسم. ادبیات فارسی واقعاً بی‌نظیر است. نظیر ادبیات کلاسیک ایران در هیچ جای دنیا وجود ندارد. نظامی فوق‌العاده است. در اروپا و حتی در ایران، من خیلی تعجب کردم که خیلی کم نظامی را می‌شناسند. حیف است که نسل جدید در ایران ادبیات ایران را کم می‌شناسد.

قاسم‌زادگان: حالا آن سؤال پاسخ داده نشده را پاسخ دهیم. آیا در آموزش هنر می‌توانیم بگوییم ابتدا فرزندان را با ادبیات کلاسیک پیوند دهیم و بعد از اینکه راز و رمزهای آن را یاد گرفتند، وارد بحث آموزش هنر شویم؟

● آقای قاسم‌زادگان به نکته خوبی اشاره کردند که در صحبت‌های جناب پروفسور هم هست. به این مفهوم که ما در هنرهای تجسمی که نمود آن خوش‌نویسی، کالی‌گرافی یا مینیاتور (نگارگری) و حتی

هنرهای دستی مانند فرش‌بافی (که گسستگی ندارند) است، افرادی را می‌بینیم که پایه و بنیاد کارشان ارتباط تنگاتنگ با ادبیات فارسی داشته است. این در کار هنری آن‌ها هم تجلی دارد. این اشعار در کتیبه‌های فرش جا می‌گیرند. یا مثلاً وقتی خوش‌نویسی شأن شاعری مثل نظامی را می‌شناسد که «خمسه نظامی» را نوشته و دورتادور آن خمسه امیرخسرو دهلوی را نوشته و در فراغ آن نسخه که در هند وجود دارد، نوشته است:

هرکس که دو خمسه را تمامی گردد
در ملک سخن بزرگ و نامی گردد
در حاشیه جای شعر خسرو زانست
تا گرد سر شعر نظامی گردد
در واقع می‌خواهد بگوید، ارزش شعر نظامی آن قدر بالاست که شعر امیرخسرو باید دورتادور شعر نظامی طواف کند. به عبارت دیگر، هر هنرمندی که ارتباط تنگاتنگ با ادبیات دارد، اثرش ماندگارتر است.



مسجد جامع اصفهان

یعنی کسی مثل استاد فرشچیان که در واقع نماد نقاشی ایران به روایت روز است، تابلوهای مشهورش ارتباط تنگاتنگی با ادب فارسی دارند که باعث لطافت و در واقع ذوق‌پروری آثار ایشان شده است.

ذهنی: در مطالعه آثار ایران کدام اثر شما را به وجد آورده است و از آن لذت می‌برید؟

- من همه را دوست دارم. شاید یک روز کتیبه، یک روز دیگر معماری، یک روز دیگر آرایه‌ها، و یک روز دیگر هم نقاشی. نمی‌خواهم بین آن‌ها سلسله‌مراتب بگذارم.

ذهنی: چرا فرهنگ اسلامی که این قدر غنی است، بر قشر جدید تأثیر کمی دارد و نسل جدید دوست دارند از فرهنگ و هنر غرب استفاده کنند؟

● گفتند که دلیلش عدم شناخت است.

- در کل دنیا این حالت وجود دارد که نسل جوان کمتر به طرف چیزهای سنتی می‌رود و دائماً می‌خواهد به سمت چیزهای جدید برود که البته جای تأسف دارد. اکثر جوانان می‌خواهند از ایران بروند یا از آثار غربی تقلید کنند. متأسفانه تقلیدشان هم همیشه سطحی بوده است.

● **جان‌مایه سخن ایشان این است که ما به عنوان معلم، دانش‌آموزان را به داشته‌های واقعی خودمان توجه دهیم.**

- بله درست است. البته اینکه فرد برود و فرهنگ‌های دیگر را هم مطالعه کند، بد نیست، ولی باید آن را هم با تمام غنای لازم بشناسد.

حاجی‌آقایی: نظرتان را درباره ترسیم که در قالب آرایه‌ها به آن اشاره کردید، بیان کنید. عناصر اصلی نمادهایی که در نقش و نگارها، کتیبه‌ها و فرش‌ها به کار می‌روند، چه امتیازی دارند؟

- در درجه اول برای زیباسازی یا صفای دل هستند. در درجه دوم، دادن مقام استثنایی به یک اثر، مثل



را در آن برهه دیده باشیم. معمولاً آن فردگرایی را که گفتید شاید در جاهایی بتوانیم به صورت کم‌رنگ ببینیم ولی حالتی که در هنر غرب وجود دارد، در هنر اسلامی نیست.

قبایبی: در دوره صفویه شاهد آن هستیم که شخصیت‌های نمادین در نگارگری به اشخاص حقیقی تبدیل می‌شوند و امضای هنرمند الزام پیدا می‌کند. آیا می‌توانیم این موضوع را مشابه همان روند بدانیم؟

- البته این درست است که ما هر قدر به دوران مدرن نزدیک می‌شویم، بیشتر با اسم و امضا و از این چیزها برخورد می‌کنیم، ولی این شاید مربوط به سیر طبیعی تاریخ باشد. به هر حال این موضوع بیشتر به بافت اجتماعی ما بستگی دارد اما آنچه که مثل رنسانس هنرمند را شاخص و مطرح کرد، خاص فرهنگ اروپایی است.

قبایبی: قرون وسطا را می‌توان با دوران اسلام مقایسه کرد که اسم کمتر در آن وجود داشت. رنسانس یک تصنع بود، چیزی بود ساخته نخبه‌های ایتالیایی که به جنبش خود رنسانس می‌گفتند.

● **در دانشگاهی که شما تحصیل کرده‌اید، هنر اسلامی وجود داشت؟**

- نه، فقط در سوئیس در زوریخ. شاید در ژنو هم باشد. در سوربن در مدرسه لوور هنر اسلامی داریم. در فرانسه دانشگاهی هست که یک پروفیسور معروف آن درباره هنر اسلامی و ایرانی کلاس می‌گذارد، ولی فکر نمی‌کنم جای دیگری وجود داشته باشد.

حاجی‌آقایی: توصیه‌های شما به معلمان برای بقا و استمرار هنر اسلامی چیست؟

- برای بقای هنر در دنیایی که همه پزشک و مهندس هستند، خیلی ضروری است که به معلمان بگوییم که امید خود را از دست ندهند و کارشان را ادامه بدهند و آگاه باشند که وظیفه مهمی دارند.

● **با تشکر**

پروفیسور آنچه را به صورت حسبی دریافت کرده‌اند و نمی‌خواهند به چاپ برسانند، برای ما بازگو کنند.

- حدیثی از جانب خداوند هست که من گنجی پنهان بودم و ... حالا میراث شما هم گنجی پنهان است که شما باید آن را کشف کنید. این را به فرزندانمان بگویید. هنر اسلامی دنیایی کامل و خیلی غنی است. در گذشته زیبا بوده و هنوز زیباست و در آینده هم زیبا خواهد ماند. حامل معنا و مفهومی است که تغییر نخواهد کرد. ما همیشه **حافظ** می‌خوانیم. این اثر ۵۰۰ سال پیش خلق شده، اما همچنان به روز است و با ما صحبت می‌کند. شما به وسیله هنر، خودتان را ادراک می‌کنید و غنی‌تر می‌شوید. این هنری که در برابر شماست، گذشته، حال و آینده شما را در بر دارد. وقتی شما هنر خودتان را بفهمید، لزوماً ریشه‌های خودتان و هنر دیگران را هم بهتر می‌فهمید.

قبایبی: خواستم بدانم، آیا شما همان سیری را که هنر اروپا از قرون وسطا تا دوره مدرن طی کرده است، خصوصاً در قرن‌های ۱۹ و ۲۰ که بیشتر به سمت فردگرایی پیشرفته وجود دارد، در هنر اسلامی می‌بینید؟

- همان‌طور که خودتان فرمودید، مقدار زیادی از این تحولات مربوط به تمدن غرب است و اشتباه خواهد بود اگر بخواهیم آن‌ها را با هم مقایسه کنیم؛ مگر در جایی که هنر اسلامی از هنر غربی تأثیر گرفته باشد و ما اثرش

کتاب یا معماری است. سپس اینکه یک آینه اجتماعی است. چون از نظر زیبایی‌شناختی متعلق به سطحی از جامعه بوده است. در عین حال، نظم آرایه‌ها بازتاب نظم دنیا و آفرینش است که آن هم به نوبه خودش نشان‌دهنده نظم الهی است. در عین حال یک آینه مشاهده و نظاره است که ما می‌توانیم تفسیرهای مختلفی (عرفانی و ...) را در آن ببینیم. حتماً برای شهروندان اروپایی مطالعه هنر اسلامی جالب است، ولی مشکل این است که در اروپا هیچ اطلاعاتی وجود ندارد. در اروپا عرب‌ها همه جا هستند و خیلی هم پول دارند اما با پول دویی نمی‌توانیم چیزی درباره هنر ایرانی داشته باشیم. در حال حاضر ایران و اروپا از هم جدا افتاده‌اند و تصور مردم اروپا از ایران چیزی شبیه کره شمالی و افغانستان است. پس اگر بخواهیم راجع به هنر ایران صحبت کنیم، کار بسیار سختی است.

● **به‌رغم این دیدگاه‌ها، دیدگاه دیگری نیز وجود دارد که می‌گوید**

با مقوله هنر می‌توان راه‌ها را به هم نزدیک کرد و به نقطه اشتراکی رسید. نظرتان در مورد آثار خانم آن‌ماری شیمیل چیست؟

- آثارش فوق‌العاده است. نگاهش نگاهی «پدیدارشناسانه» است. شانس آورده‌ایم که در اروپا چند تا کار آکادمیک داریم که واقعاً خوب هستند.

● **در پایان می‌خواهیم که جناب**